



در عدم ابلاغ قانون حجاب درست عمل شد

فاطمه مهاجرانی، سخنگوی دولت در نشست خبری روز گذشته خود در پاسخ به سوالی مبنی بر اینکه اگر قانون حجاب ابلاغ می‌شد باز هم ما این همدلی را از مردم شاهد بودیم؟! اظهار داشت: «وضع موجود تأییدی بر صحت عملکرد است، درست عمل شد.»

▼ بازنگری در رفتار ضروری است

او در بخش دیگری از این نشست گفت: «ما دو ثروت بسیار مهم داریم؛ نخست، ثروت تمدنی ایران است. ایران، با تمدنی چند هزارساله، فراز و فرودهای بسیاری را پشت سر گذاشته و در طول تاریخ پرفرازونشیب خود، همواره ایران باقی مانده است. از جمله مغول گرفته تا شهریور ۱۳۲۰ و دوران دفاع مقدس، ایران همواره استوار و پایدار مانده است. نکته‌ای که برای دولت ضروری است، بازنگری در رفتار خود با مردم و بازگشت بیشتر به آنان است. برای افزایش تاب‌آوری اجتماعی، باید به مسائل محیط زیست، اقتصاد قدرتمند که به زیست‌شرافتمندانه مردم کمک می‌کند و جامعه‌ای منسجم و آماده، توجه ویژه شود.»

▼ دشمن بداند، ایران لبنان نیست

از سخنگوی دولت درباره اینکه آیا کشور برنامه‌ای برای خرید هواپیماهای جنگنده به‌روز دارد سوال شد که وی در پاسخ گفت: «پیام مناسبی را دکتر عراقچی که این روزها جانشنه با سفرهای زمینی از این کشور به آن کشور برای گسترش دیپلماسی ایران داشتند اعلام کردند که ایران لبنان نیست. ایران را با لبنان مقایسه نکنید در عین حال طبیعتاً ما برای همه ستاریوها آماده هستیم.»

▼ همه ایرانیان پای ایران ایستاده‌اند

وی در پاسخ به سوال دیگری درباره تقویت انسجام ملی گفت: «یک نمونه آن را در روز حضور ارکستر سمفونیک در میدان آزادی دیدید؛ به این معنا بود که همه ایرانیان پای ایران ایستاده‌اند و در همین راستا آنچه در این ارکستر نواخته می‌شد نت‌های زندگی بود. دولت برای تحکیم هویت ملی و فرهنگی برنامه جدی دارد و روی این موضوع کار خواهیم کرد. ترویج فرهنگ مشارکت مدنی بخش زیاد آن این است که امور مردم را به خود مردم واگذار کنیم. در جلسه‌ای که رئیس‌جمهور با اصناف داشتند گفتند حاضرم مسئولیت‌ها را به مردم واگذار کنیم و دولت را کوچک کنیم چراکه در طول این سال‌ها دولت در برخی اوقات زیادی بزرگ شده است و لازم است که برخی مسئولیت‌ها را تفویض کنیم. در جلسات هیئت دولت یکی از موضوعات این بود که اختیارات هیئت دولت به استانداران ووزرا تفویض شود. هر چقدر بتوانیم باید مشارکت مردم را افزایش دهیم. مشارکت نه به این معنا که مردم فقط به صحنه بیایند، بلکه مردم بیایندو خودشان امور را اتولی‌گری کنند.»

▼ ایران برای همه ایرانیان است

مهاجرانی در ادامه گفت: «یکی دیگر از موضوعات این است که ما از همه‌سلیقه‌هاونظرات‌متفاوت حمایت کنیم و به فرمایش رهبر معظم انقلاب ما باید یک چهل تکه زیبا از سلاطین داشته باشیم. این جمله را بارها بعد از شهادت سردار سلیمانی، از او[سردار سلیمانی] شنیده‌ایم که «آن دختر بی حجاب دختر من است»، نگوییم این با من است آن بی من است، این خودی است آن بی خودی است. این کار را نکنید. لذا ایران برای همه ایرانیان است بنابراین به ارتقای مشارکت عمومی توجه کنیم. به حوزه فرهنگ و هنر توجه کنیم. هنر، تاب‌آوری مردم را بالا می‌برد و دیدیم که هنرمندان ما در این ۱۲ روز جنگ چه کارهایی انجام دادند. باید به هنر توجه کنیم و به برنامه‌های دولت این موضوع جادارد و انجام می‌شود.»

▼ بحران مهاجرت، نتیجه دخالت بیگانگان

مهاجرانی درباره ساماندهی اتباع خارجی غیرمجاز در کشور، گفت: «سیاستی که از سوی وزارت کشور اتخاذ شده، اجرایی خواهد شد. طبیعتاً هم‌زمان با اجرای این سیاست‌ها در داخل کشور، ابعاد دیپلماتیک موضوع نیز دنبال می‌شود تا زمینه بازگشت اتباع غیرقانونی به کشورهای خودشان فراهم‌شود.بی‌توانند در سرزمین خود ساکن شوند. البته امیدواریم هیچ کشوری به اندازه‌ای ناامن نشود که مردم آن ناگزیر به مهاجرت شوند. نمی‌توان فراموش کرد که بخش بزرگی از بحران مهاجرت در منطقه خاورمیانه، نتیجه دخالت‌های مکرر بیگانگان است. بسیاری از مهاجرانی که از مناطق مختلف خاورمیانه‌آواره شده‌اند، به دلیل همین دخالت‌های خارجی مجبور به ترک خانه و کاشانه خود شده‌اند.»

گفت‌وگو با مهدی معتمدی‌مهر درباره رویکرد نیروهای سیاسی در روزهای جنگ

ترکیب برنده همبستگی ملی و توان نظامی

جنگ ۱۲روزه میان ایران و اسرائیل و اعلام آتش‌بس به اذعان بسیاری از تحلیلگران درس‌های بسیاری از رفتار مردم ایران و کنشگران سیاسی و اجتماعی آن در بر داشت و ضروری است برای واکاوی و دستیابی به شناختی درخور تلاش شود؛ در این بین تأکید بر اینکه نباید فرصت پیش آمده در پی اتحاد و انسجام ملی را از دست داد نیز از سوی دلسوزان ایران مطرح شده است. در این زمینه گفت‌وگویی با مهدی معتمدی‌مهر، فعال سیاسی و عضو دفتر سیاسی نهضت آزادی ایران داشته‌ایم که در ادامه می‌آید.

۱۲روز جنگ میان ایران و اسرائیل، رخ داد و حال

آتش‌بس برقرار شده است؛ ازجمله مواردی که در هر بزنگاهی از جمله جنگ مطرح می‌شود؛ اتحاد است و حالا هم اتحاد ایرانیان با هر نوع نگاه سیاسی علیه حمله قوای بیگانه به‌ویژه در مقطع کنونی، علیه حمله اسرائیل به میان آمده است. در ابتدای بحث درباره چرایی و ضرورت این اتحاد نظراتان را بگویید؟

تمرکز بر مفهومی تحت عنوان «ایران» نتهنها در شرایط ویژه‌ای که اسرائیل با حملات ویران‌گر خود، تمامیت ارضی، استقلال و توان دفاعی ایران را تهدید کرد و نه‌فقط الان که آتش‌بس اعلام شده، بلکه در هر شرایطی از اهمیت و بلکه از اولویت برخوردار است. «ایران» یعنی «وطن» یعنی «خانه» یعنی «ریشه» یعنی «مادر». به عبارت دیگر، هویت و بلکه موجودیت همه ایرانیان در گرو بقا، منافع ملی، استقلال و توسعه متوازن و پایدار سرزمینی به نام ایران است. حتی

وجه هویت اسلامی ما نیز ارتباط وثیق و تفکیک‌ناپذیری با «ایران» دارد. «اسلامیت» یک مسئله فرعی نیست، اما فرع بر جمهوریت و ایرانیت است؛ چراکه اگر بیش از ۹۰ درصد جمعیت ایران مسلمان نبوندند، اصولاً «اسلامیت» موضوعیت پیدا نمی‌کرد. اینکه مهندس بازرگان می‌گفت: «ما اسلام را برای ایران می‌خواهیم» ناظر بر چنین نگرشی است که اگر «ایران» نباشد، اصولاً از هویت اسلامی ما چیزی به جا نمی‌ماند. در این ۱۲ روز جنگ هم اتفاق بسیار مهمی رخ داد. عملاً دسته‌بندی‌های قبلی مانند اصلاح‌طلب و محافظه‌کار و برانداز، جای خود را به دو جریان کلان «جبهه‌وطنی» و «جبهه‌ضدوطنی» داد. جبهه‌وطنی اعم از نیروهای اصلاح‌طلب و محافظه‌کار و حتی برخی چپ‌های ملی و امثال ایشان هم در داخل و هم در خارج از کشور بود؛ کسانی که صرف‌نظر از مواضع انتقادی جدی علیه شیوه‌های نادرست حکمرانی نظام جمهوری اسلامی و حتی سابقه مخالفت با بنیان‌هایی مانند ولایت فقیه و تأکید بر استقلال نهاد دین از نهاد قدرت، باصراحت و مسئولانه در مقابل تجاوز اسرائیل موضع گرفتند، از تمامیت ارضی و حاکمیت ملی ایران دفاع کردند و متمرکز بر شعار نگاشته «حفظ ایران به هر قیمت» شدند. نامه امضای جمعی ۵۳۰ فعال حقوق بشری و سیاسی و مدنی که در گسترده‌ترین سطح همکاری و هم‌سویی علیه تجاوز اسرائیل منتشر شد، تبلور «جبهه‌وطنی» بود.

جبهه ضدوطنی هم که شامل افراد و جریاناتی بودند که توجیه‌گر و بلکه موید شدت‌عمل حملات اسرائیل شدند و حول

نگاه حزب



کنش‌های ایران

نگاه تحلیلگر

امکان و امتناع واقع‌گرایی پسا جنگ

آیا تجربه نبرد با اسرائیل ذهنیت نیروهای سیاسی را تغییر داده است؟



آرش ملکی

پژوهشگر حقوق بین‌الملل

این روزها آتش‌بس جاری شده و مانند قبل صدای پدافند را نمی‌شنویم. اتصال به اینترنت جهانی کج‌دار و مریز برقرار است و دیگر خبری از ستون‌های دود بر فراز آسمان تهران نیست. تقابل موشکی و پهپادی ایران - اسرائیل پس از ۱۲ روز به ایستگاه پایانی رسید؛ و اکنون آرایش نسبی در فضای کشور برقرار شده است. با فاصله گرفتن از فضای هراس، نیک است این تجربه تاریخی ناخوسته را به تأمل نشسته و پیامدهای مختلف آن را زیر ذره‌بین بگذاریم. یکی از ابعاد اثرگذاری این جنگ، بُعد سیاسی آن است و تردیدی نیست که همچون جنگ هشت ساله، آمیابنس سیاسی در کشور به‌واسطه این جنگ نیز دستخوش تغییر خواهد شد. پرسشی که در این زمینه به ذهن می‌رسد نسبت این تغییرات با واقع‌گرایی سیاسی است. به بیان دیگر، آیا الگوی سیاست‌ورزی نیروها در ایران از رهگذر آزمون جنگ با اسرائیل به واقعیت نزدیک خواهد شد؛ یا همچنان برتری آرمان بر واقعیت در مدار سیاسی کشور محفوظ خواهد ماند؟

واقع‌گرایی (Realism) مکتبی است در روابط بین‌الملل که بر مبنای

سیاست «سرنوینی جمهوری اسلامی به هر قیمت» در ادامه فضای جنگ روانی اینترنت‌نشال، مواضع خائنانه گرفتند. رضا پهلوی، فرقه رجسوی و برخی فعالان به‌ظاهر حقوق بشری در زمره این جریان ضدوطن قرار گرفتند.

❖ **ما جنگی را تجربه کردیم که همه اذعان دارند وحدت مردم موجب آتش‌بس شده است.** به نظر شما جایگاه مردم در این رخداد و توان دفاعی و موشکی ایران در رفع تجاوز اسرائیل و واداشتن نتایج‌هوبه‌پذیرش آتش‌بس در چه سطح از اهمیت بود؟

دفاع از تمامیت ارضی و استقلال کشور نیاز به توان دفاعی دارد. ظرفیت‌های نظامی، بخش مهم و تردیدناپذیر توان دفاعی ایران است. بدیهی است که اگر ما این توان نظامی و موشکی را نداشتیم، همان روز اول مجبور می‌شدیم که دست‌مان را بالا بگیریم. بنابراین، باید قردادان ظرفیت دفاعی کشور، نیروهای مسلح و متخصصان نظامی‌مان باشیم اما بقای هر سرزمینی و از جمله ایران که کشوری پهناور و متکثر از اقوام و عقاید گوناگون دینی و سیاسی است، منوط و متناسب با همبستگی ملی و مشارکت فراگیر و همگانی برای دفاع از میهن رقم می‌خورد. از این منظر، قدرت اصلی حکومت را باید در اقتدار مشروع و اعتبار اخلاقی آن و بهره‌مندی از پشتیبانی مردم و مشارکت فراگیر ملی در فرایند دفاع از کشور سراغ گرفت. این مشارکت باید صرف‌نظر از تفاوت‌های قومی و دینی و توسط عموم زنان و مردان ایرانی صورت‌پذیرد. از این‌روست که «دموکراسی» و به رسمیت شناختن واقعی حق حاکمیت ملت در تراز پیش‌نیاز استقرار امنیت ملی پایدار و راستین، اهمیت و بلکه ضرورت پیدا می‌کند. چگونه ممکن است که مردمی را از حق تعیین سرنوشت خود و از حقوق اساسی محروم کرد، شهروند درجه یک و دو ساخت، حقوق اساسی زنان و اقوام را نقض کرد، حق انتخاب سبک زندگی را نادیده گرفت، بی‌عدالتی و تبعیض سیستمیک را در ساختار قدرت و لایه‌های جامعه گسترش داد، حق حیات جامعه مدنی را سلب کرد، جلوی برگزاری جلسات و فعالیت‌های احزاب مستقل، مطبوعات غیروابسته به حکومت و سندیکاها و شوراهای صنفی مستقل را گرفت و آن وقت، انتظار داشت که مردم که همین زنان و مردان اقوام ترک و کرد و عرب و بلوچ و لر و فارس ایرانی با گرایش‌ات سیاسی متفاوت هستند، بتوانند در هنگامه واقعه از استقلال میهن خود دفاع کرده و همبستگی ملی نشان دهند؟

البته این معجزه یک بار دیگر در تاریخ ایران رخ داد و نشان داد که «ایرانیّت» نه یک باور انتزاعی و بلکه یک واقعیت است. اصلی‌ترین عاملی که مانع تکرار سناریوی لیبی و سوریه و عراق در ایران شد، همبستگی ملی و تبلور «روح ایرانی» بود. توان موشکی در حفظ استقلال و تمامیت ارضی، اهمیت راهبردی دارد. اما این حقیقت که هدف حمله اسرائیل و آمریکا و ناتو محقق نشد و از این حیث، می‌توان ایران را پیروز میدان به حساب آورد، بیش از آنکه مدیون توان موشکی و قدرت نظامی ما باشد، مرهون وحدت ملی و آگاهی مردمی بود که اگر چه به شدت از اوضاع کنونی سیاسی و اقتصادی کشور ناراضی بودند، اما تحت‌تأثیر بیگانه قرار نگرفتند و شورش نکردند.

❖ **با توجه به اینکه نهضت آزادی ایران از جمله تشکل‌هایی است که منتقد حاکمیت است و این انتقادات را هم که به آن اشاره کردید بارها مطرح کرده است؛ در خصوص این جنگ چه مواضع و چه نگاهی داشته است؟**

نهضت آزادی ایران در این مدت، علاوه بر مشارکتی که در تهیه و انتشار چند نامه امضای جمعی داشت که شامل صدها نفر از کنشگران سیاسی و مدنی مخالف با ادامه جنگ می‌شد و علاوه بر مواضعی که اعضای ارشد نهضت طی یادداشت‌ها یا مصاحبه‌هایی ابراز داشتند، دو بیانیه در ۲۳ و ۲۸ خرداد صادر کرد. چکیده مواضع نهضت در این بیانیه‌ها، افزون بر محکومیت حمله اسرائیل و درخواست از جامعه جهانی برای جلوگیری از ادامه این جنگ ویران‌گر، شامل این نکته راهبردی بود که با وجود اختلافاتی که با

مشئ اهمال کارانه دولت قبل فرامی‌گرفت؛ و برجام (با اتمام انتقاداتی که بدان وارد است)، دست‌آورد آن بود. با زشدن پای ترامپ به موضوع و مطالبات جدیدی که با تأکید بر سایر ابعاد اختلاف حل‌نشده با ایران مطرح نمود، بر آتش زیر خاکستر دمید؛ لیک از آنجا که ایران موضوع را حل‌شده می‌پنداشت از همراهی با ترامپ خودداری کرد و از بازی مذاکره مجدد کناره گرفت. در نتیجه امواج سهمگین تحریم‌های یک‌جانبه ایالات‌متحده بر پیکر تحیف اقتصاد ایران بی‌رحمانه نواختند و با هر تحریم جدید، زندگی ایرانیان دشوارتر شد؛ چنانکه ظرف سه‌سال، روزنه اقتصاد انچنان بار یک‌شد که نه آن انتفاع معیشتی را اثری ماند، نه ۲۳ میلیون رأی روحانی در اردیبهشت‌ماه ۹۶. در آن سه‌سال، جناح سیاسی رقیب که از رهگذر موفقیت نسبی به‌جرم به محاق رفته بود، احیا شد و با انهدام پایگاه مردمی دولت وقت، مسیر خود به قدرت را هموار ساخت. مع‌هذا در خردادماه ۱۴۰۰، مسئله هسته‌ای به‌رغم تداوم سوبه اختلافی- آن جایگاه سیاسی تعیین‌کننده را از دست داده بودو کاهش مشارکت رأی‌دهندگان واکتشی به وعده‌های اقتصادی محقق نشده بود. چنین شد که ریاست‌جمهوری ابراهیم رئیسی در پرتو دل‌زدگی سیاسی مردم، رنگ واقعیت به خود گرفت. با این وصف، دولت سیزدهم چون در حل اختلاف هسته‌ای سرمشقی جز اهمال‌کاری احمدی‌نژادی وجود نداشت، با وجود قبض قدرت نتوانست با کاربست صحیح دیپلماسی، رئیس‌جمهور چپ‌گرای ایالات‌متحده را قانع کند تا موضوع ختم شود.

انتخابات ریاست‌جمهوری ۲۰۲۴ در آمریکا نیز نقطه‌عطف دیگری در روند اختلاف هسته‌ای ایران و غرب بود. لیکن سنگینی کفه این رویداد به‌نفع ایران نبود و متعاقب آن، «بایدن» مصالحه‌جو کلید کاخ سفید را به‌ترامپ عملگر انحویل داد. اکنون پزشکیان بود و ترامپ و خاورمیانه‌ای که پس از هفت اکتبر، مختصات دیگری یافته بود. اگر پولیتسیسن سردو گرم چشیده‌ای چون روحانی موفق نشد در شرایطی کاملاً متفاوت با ترامپ کنار بیاید، پزشکیانی که بیشتر عمر سیاسی او به مجلس‌نشینی گذشته بود را چه انتظاری می‌توانست باشد؟ این شد که اختلاف هسته‌ای به